

بررسی رابطه ی اجتناب مالیاتی با کیفیت افشاء و ارزش شرکت

دریافت:	تاریخ	دکتر حمید حقیقت ^۱
		1391/10/16
1391/12/1	تاریخ پذیرش:	محمدحسن محمدی ^۲

چکیده

نظریه مرسوم در خصوص اجتناب مالیاتی این است که انتقال منابع از مالکان به دولت را کاهش می دهد و بدین طریق منجر به افزایش ثروت مالکان می گردد. نظریه ی هزینه های نمایندگی اجتناب مالیاتی بیان می دارد که مدیران فرصت طلب از شرایط ابهام ذاتی اجتناب مالیاتی سوء استفاده کرده و اقدام به حیف و میل منابع مالکان می نمایند. جهت روشن شدن خلاف دیدگاه مذکور از شاخص کیفیت افشاء شرکتی محاسبه شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران و تفاوت سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی سالانه با استفاده از رگرسیون خطی چندگانه، رابطه ی کیفیت افشاء شرکتی و اجتناب مالیاتی و میزان توجه افراد برون سازمانی به اجتناب مالیاتی؛ مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور نمونه ای متشکل از 600 سال شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره هشت ساله 1382 تا 1389 بررسی شده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که شرکت های با شفافیت بالا، پتانسیل تضاد نمایندگی کمتر و اجتناب مالیاتی بیشتر نسبت به شرکت های با شفافیت پایین دارند و همچنین افراد برون سازمانی اهمیت خاصی به اجتناب مالیاتی شرکت ها قائل نیستند. بنابراین در شرکت هایی که برنامه های اجتناب مالیاتی اجرا می شود، وجود شفافیت قابل قبول از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود.

1. دانشیار و عضو هیات علمی گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، مسئول مکاتبات

2. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، گروه حسابداری، قزوین، ایران

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، کیفیت افشاء شرکتی، تضاد نمایندگی، ارزش شرکت

1- مقدمه

یکی از مهمترین روشهای تامین مخارج دولت، جمع آوری و وصول انواع مالیات‌ها است. صاحب نظران اقتصاد و توسعه معتقدند که کسب درآمدهای مالیاتی به منظور تامین هزینه‌های دولت، شاخص‌های نامطلوب اقتصادی همچون تورم، بیکاری و غیره را بهبود می‌بخشد. در کشورهای جهان سوم، سهم درآمدهای مالیاتی دولت از تولید ناخالص ملی رقم بسیار ناچیزی می‌باشد و سهم پرداخت‌های دولت نسبت به تولید ناخالص ملی، همواره بیش از سهم مالیات است (پورزمانی، 1388). با تکامل مناسبات و تحولات اجتماعی در جوامع انسانی لزوم توجه به حدود وظایف و اختیارات دولت از اهمیت خاصی برخوردار است، به نحوی که وظایف دولت‌ها در حال حاضر نسبت به گذشته دستخوش تغییرات بسیاری شده و گسترش فوق‌العاده‌ای یافته است، که قطعاً نیاز به درآمدهای مناسبی دارد. دولت از طریق درآمدهایی که کسب می‌کند قادر به تأمین هزینه‌های خود خواهد شد و مالیات یکی از موارد بسیار حائز اهمیت در منابع درآمدی دولت‌ها قلمداد می‌شود. از جمله‌ی انواع مالیات، مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی می‌باشد (دوانی، 1384). یکی از فرض‌های اساسی در ادبیات مالی آن است که هر شرکتی با هدف حداکثر ساختن ثروت سهامداران خود تشکیل می‌شود و به منظور دستیابی به هدف مذکور، مدیریت شرکت باید در تصمیم‌گیری‌های خود، به عامل بازده توجه داشته باشد. وجود مالیات بر درآمد شرکت‌ها باعث کاهش عایدات واحد تجاری می‌گردد. بنابراین یکی از اقداماتی که می‌تواند در جهت حداکثر ساختن ارزش شرکت و ثروت سهامداران انجام پذیرد، استفاده از راهکارهایی است که از طریق آن‌ها مالیات پرداختنی کاهش یابد. اجتناب مالیاتی به عنوان راهکار کاهش میزان مالیات تعلق گرفته به سود حاصل از عملکرد واحدهای تجاری تعریف می‌شود، اجتناب مالیاتی شامل زنجیره‌ای از فعالیت‌ها و برنامه‌های استراتژیک کاملاً قانونی و پیش‌رونده در اخذ معافیت مالیاتی است که منجر به وجود آمدن فضای خاکستری در ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی و مالیاتی به افراد برون سازمانی می‌گردد (حانلون و هیتزمان، 2009). بررسی رابطه بین افشاء شرکتی و اجتناب مالیاتی منجر به روشن شدن رابطه بین اجتناب مالیاتی و سوء استفاده افراد درون سازمانی خواهد شد. مدیریت ممکن است انواع گوناگونی از برنامه‌های مالیاتی را جهت کاهش هزینه

مالیات تحمیل شده بر شرکت به اجرا در آورد و این موضوع باعث افزایش ریسک عدم شفافیت شرکت شود و درکنار آن هیچ هدف اقتصادی دیگری به جز ایجاد حفاظ و اطمینان خاطر برای سوء استفاده افراد برون سازمانی نداشته باشد (رسایی و همکاران، 2007) با آشکار شدن رسوایی‌های مالی مدیران در شرکت‌هایی مانند انرون و ورلداکام، مشخص گردید که پتانسیل سوء استفاده و اتلاف منابع مالکان در شرکت‌هایی که از فعالیت‌های مبهم و غیر شفاف اجتناب مالیاتی استفاده می‌کنند، بالا است. به خاطر این که مدیریت به بهانه‌ی آشکار نشدن سود واقعی شرکت، رفتارهای منفعت طلبانه‌ی خود را پنهان می‌کند. مطالعات و تحقیقات انجام شده نیز نشان می‌دهد تعداد بسیار اندکی از مالکان به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی با ابهام زیاد واکنش مثبت نشان می‌دهند. با این وجود، مدارک و مستندات هم وجود دارد نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران به برنامه‌های اجتناب مالیاتی که منجر به افزایش ارزش واحد تجاری می‌شود، اهمیت زیادی قائل هستند (گلیسون و هیلز، 2002).

2- بیان مسأله

مالیات بر درآمد هزینه قابل توجهی به شرکت و سهامداران آن تحمیل می‌کند. به ویژه با شیوه مرسوم مالیات‌گیری مقادیر قابل توجهی از منابع شرکت‌ها به دولت انتقال پیدا می‌کند. برای کاهش انتقال منابع، اقداماتی تحت عنوان برنامه‌های اجتناب مالیاتی توسط مدیران شرکت‌ها به اجرا در می‌آید. برنامه‌های اجتناب مالیاتی در قالب تنظیم حساب‌های مالی، آرایش خلاقانه حساب‌ها و یا عدم ارائه تمامی اطلاعات صورت می‌گیرد (موسوی جهرمی و همکاران، 1388). افشاء شرکتی که به عنوان اطلاعات اثرگذار در دسترس استفاده‌کنندگان برون سازمانی تعریف می‌شود، در تخصیص کارای منابع اقتصادی نقش اساسی در بازار سرمایه ایفا می‌کند. تحقیقات انجام شده تأثیر افشاء شرکتی بر نقدینگی و هزینه سرمایه را مورد بررسی قرار داده‌اند و نتایج حاصله حاکی از آن است که کیفیت افشاء بالا موجب افزایش ارزش شرکت می‌گردد. چون عملکرد مدیران را منظم و اثر بخش می‌کند، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و افراد برون سازمانی را کاهش می‌دهد. انتظار معقول آن است که هر چقدر اطلاعات ارائه شده بیشتر و شفاف‌تر باشد ارزش واقعی واحد اقتصادی برای مالکان و سایر ذینفعان من جمله دولت بیشتر روشن شود و سرمایه‌گذاران انتظارات خود را مطابق عملکرد واقعی آن تعدیل کنند و شرکت‌ها نیز در ایفای مسئولیت پاسخگویی خود موفق‌تر عمل نمایند. ارائه اطلاعات شفاف و اثرگذار از طرف واحدهای اقتصادی

امکان برآورد دقیق و صحیح سود واحد تجاری توسط تحلیل گران مالی را فراهم خواهد کرد
و امکان مدیریت سود توسط افراد درون سازمانی را کاهش خواهد داد (اتوود و همکاران، 2010).

در این تحقیق پژوهشگر در پی آن است که اطمینان خاطر حاصل کند؛

1) آیا بین اجتناب مالیاتی و افشاء شرکتی رابطه‌ای وجود دارد؟

2) آیا ارزش شرکت با اجتناب مالیاتی دارای رابطه معناداری است؟ و این رابطه تحت تأثیر

کیفیت افشاء شرکتی می‌باشد.

برای پاسخ به این سوالات دو فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرند تا از وجود یا عدم وجود رابطه

ی معنادار بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل پژوهش اطمینان معقولی حاصل گردد.

3- اجتناب مالیاتی

مالیات متعلقه به سود شرکت‌ها، هزینه قابل توجهی را به شرکت و سهامداران تحمیل می‌کند.
تحت قوانین موجود مالیاتی شرکت‌های تجاری بخش قابل توجهی از سود حاصله خود را
باید به دولت پرداخت کنند که این موضوع باعث کاهش بازده مالکان می‌شود و این امر رغبت
سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. مدیریت برای کاهش انتقال منابع مالکان به دولت و تعدیل
هزینه مالیات، اقدام به اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی می‌کنند. این امر منجر به افزایش
ثروت و بازده مالکان خواهد شد (رسایی و دارماپالا، 2009). مطالعات اخیر در این بخش از
تحقیقات نیز هدایت شده‌اند، که چگونه هزینه‌های نمایندگی بر رفتار اجتناب مالیاتی شرکت‌ها
تأثیر می‌گذارد. در راستای نظریه هزینه نمایندگی اجتناب مالیاتی نتایج تحقیقات حاکی از آن
است که بین انگیزه پاداش و سطح پنهان کاری مالیاتی رابطه منفی وجود دارد. این رابطه‌ی
منفی بیشتر در شرکت‌هایی که دارای سیستم حاکمیت شرکتی ضعیف هستند به چشم
می‌خورد. رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و انگیزه‌هایی مانند پاداش مدیریت بر مبنای عملکرد،
همسویی منافع مدیریت با منافع مالکان، به ویژه در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف،
نشانگر آن است که در این نوع شرکت‌ها، کنترل‌های کافی برای عملکرد مدیریت وجود ندارد و
مدیریت سود بیشتری اتفاق می‌افتد. جهت تبدیل رابطه منفی مذکور به رابطه مثبت تقویت
انگیزه‌های مذکور بر اساس سود پس از کسر مالیات لازم است تا اجتناب مالیاتی به ابزاری
جهت انحراف و سوء استفاده مدیریت تبدیل نشود و برنامه‌های مالیاتی به صورت اثر بخش و
کارا به اجرا درآیند.

4- مفهوم افشاء شرکتی

اصطلاح افشاء شرکتی در گسترده‌ترین مفهوم خود به معنای ارائه اطلاعات است، منظور همان انتشار اطلاعات مالی و غیرمالی مربوط و اثرگذار یک شرکت در گزارش‌های مالی و غیرمالی است (هندریکسن و ونبردا، 1992). وجود شفافیت در فعالیت‌های واحد اقتصادی، درک سرمایه‌گذاران را از فعالیت‌های مدیریت افزایش داده و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند و نگرانی مالکان را از هزینه‌های پنهان اجتناب مالیاتی کاهش می‌دهد (مک نیکولز و استابن، 2008).

5- رابطه‌ی اجتناب مالیاتی با افشاء شرکتی

افشاء شرکتی، اهداف فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و انگیزه کسب منافع افراد درون سازمانی را روشن و آشکار می‌سازد. مدیریت ممکن است جهت کاهش هزینه‌های ناشی از مالیات بر درآمد شرکت انواع گوناگونی از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را به کار گیرد. آن فعالیت‌ها توأم با ریسک بالایی همراه هستند. در سایه برنامه‌های اجتناب مالیاتی نباید هیچ اهداف دیگری وجود داشته باشد، اما ماهیت مبهم و غیر شفاف برنامه‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند موقعیت‌های مناسبی برای مدیریت فرصت طلب در جهت کسب منافع و سوء استفاده از منابع مالکان فراهم نماید. اما یک سیستم افشاء کارآمد می‌تواند رفتار مدیریت واحد اقتصادی را به مالکان برون سازمانی انعکاس دهد تا مدیریت نتواند در سایه فعالیت‌های اجتناب مالیاتی منافع شخصی خود را دنبال کند و جهت‌گیری آن فعالیت‌ها در جهت افزایش ثروت سهامداران انجام گیرد. همچنین به علت اینکه برنامه‌های اجتناب مالیاتی پیچیده است اگر رویدادها و مبادلات شرکت به صورت دقیق تر و به موقع به اطلاع سهامداران برسد دغدغه آن‌ها از هزینه‌های پنهان مرتبط با فعالیت‌های اجتناب مالیاتی اعم از مستقیم و غیر مستقیم کاهش می‌یابد و استقبال آنان از این عملکرد با علم به اینکه فعالیت‌های اجتناب مالیاتی مدیریت انتقال منابع آنان را به دولت کاهش می‌دهد، باعث افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش قیمت سهام واحد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت (گوپتا، 1997).

6- اجتناب مالیاتی و ریسک کاهش قیمت سهام

نتایج بدست آمده از پژوهش‌های مختلف، بیان می‌کند که رابطه‌ی مستقیم و معناداری بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط قیمت آتی سهام وجود دارد. این نتیجه با نظریه‌ای که بیان می‌دارد اجتناب مالیاتی سوء استفاده مدیریت را تسهیل می‌کند و اخبار بد فعالیت‌ها برای چندین دوره انباشته می‌شود برای این که مدیریت می‌خواهد جایگاه شغلی خود را حفظ کند. زمانی که دوره تصدی مدیریت به اتمام رسید، اخبار بد انباشته شده به یک باره افشاء می‌گردد و منجر به سقوط زیاد قیمت سهام می‌گردد. اما اگر در شرکت سازوکار افشای کارآمد و قوی مثل سهامداران نهادی، تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته از گزارش‌های مالی شرکت، وجود داشته باشد، همه اخبار بد انباشته نمی‌شوند که در صورت انتشار یک جای آنها کاهش شدید قیمت سهام اتفاق بیفتد، مطابقت دارد (جیونگ و بن‌کیم، 2010).

7- پیشینه پژوهش

دسائی و دهارماپالا (2007) در تحقیقات خود نشان دادند که میانگین تأثیر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت معنادار نیست. اما در شرکت‌هایی که دارای مکانیزم حاکمیت شرکتی قوی هستند، تأثیر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت معنادار و مثبت می‌باشد. همچنین نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که انتقال منابع از دولت به مالکان از طریق اجتناب مالیاتی با تضاد نمایندگی میان مالکان و مدیران مرتبط می‌باشد. نتایج تحقیق دریک وهانلون وشولین (2005) مطرح می‌کند که اختلاف کمتر بین سود حسابداری و سود مضمول مالیات نشان دهنده مدیریت سود بالا و کیفیت افشاء پائین گزارشات مالی می‌باشد. نتایج بدست آمده از تحقیق وانگ (2010) بیان می‌دارد که اجتناب مالیاتی با افشاء شرکتی رابطه‌ی قوی تری نسبت به ابهام دارد. همچنین در شرکت‌های با کیفیت افشاء بالا، اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت رابطه مثبت معناداری دارد. رگو و رایان ویلسون (2008) در بررسی رابطه‌ی پاداش مدیریت با گزارشگری غیر شفاف مالیاتی به این نتیجه رسیدند که گزارشگری غیر شفاف مالیاتی با پاداش دریافتی مدیریت رابطه‌ی مثبت معناداری دارد و این رابطه در شرکت‌هایی که دارای مکانیزم حاکمیت شرکتی ضعیف هستند، قوی تر می‌باشد.

موسر و ایندروخورانا (2009) در بررسی رابطه‌ی اجتناب مالیاتی با سهامداران نهادی نشان دادند که مالکیت نهادی بر پوشش مالیاتی تأثیر معناداری دارد. در شرکت‌هایی که افق سرمایه‌گذاری کوتاه مدت باشد، پنهان کاری مالیاتی بیشتر است. چون می‌خواهند در کوتاه مدت مالیات بیشتری ذخیره شود تا سود و ارزش سهام خود را افزایش دهند. اما اگر افق سرمایه‌گذاری بلند مدت باشد، شدت رابطه‌ی مالکیت نهادی با پوشش مالیاتی تعدیل می‌گردد.

8- اهداف پژوهش

شرکت‌ها برای در اختیار گرفتن منابع سرمایه گذاران، باید قادر باشند انتظارات آنها را برآورده ساخته همچنین باید حقوق دولت را که یکی از مهمترین آنها مالیات است، پرداخت کنند. چون با پرداخت مالیات میزان بازده مالکان کاهش پیدا می‌کند، منجر به کاهش انگیزه سرمایه گذاران جهت خرید سهام و سرمایه‌گذاری می‌گردد. عدم توجه مدیریت به کاهش هزینه‌های ناشی از تحمیل مالیات و تعدیل درآمد مشمول مالیات، باعث انتقال منابع مالکان به دولت خواهد شد. انتظار مالکان این است برای جلوگیری از انتقال ثروتشان به دولت؛ مدیریت اقدام به انجام فعالیت‌هایی بنماید که سود حسابداری را محافظه کارانه تر شناسایی کرده و نه تنها قیمت سهام شرکت کاهش پیدا نکند، بلکه افزایش هم داشته باشد. به همین منظور مدیران شرکت‌ها برای برآورده شدن انتظارات سرمایه گذاران به دنبال راهکارهایی هستند تا از آن طریق بتوانند مالیات پرداختنی واحد اقتصادی را کاهش داده و از کاهش بازده شرکت نیز جلوگیری کنند. یکی از این ابزارها اجتناب مالیاتی می‌باشد، برای انجام هر چه بهتر و دست یابی به هدف اصلی آن که افزایش ارزش شرکت و ثروت مالکان می‌باشد، باید کیفیت افشاء شرکتی به همراه فعالیت‌های اجتناب مالیاتی افزایش یابد.

9- فرضیه‌های پژوهش

جهت جلوگیری از روشن و آشکار شدن میزان اجتناب مالیاتی، مدیران انگیزه دارند اهداف اصلی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را غیر شفاف نمایند و شفافیت مالیاتی بکاهند. گزارش حسابرسی مالیاتی باید بخشی از اختلاف سود حسابداری و درآمد مشمول مالیات را به عنوان شاخصی از فرار و پنهان کاری مالیاتی، افشاء کند (میلز، 1998). اما اگر شرکت‌ها اطلاعات

مهم و حساس مرتبط به مالیات را که توسط استانداردهای حسابداری که در طی فرم K₁₀ الزامی می‌باشد افشاء نکنند، قضاوت برای سرمایه گذاران برون سازمانی در خصوص اهداف اصلی اجتناب مالیاتی و میزان ارتباط اجتناب مالیاتی با سوء استفاده مدیریت، سخت و مشکل شود. در بررسی اجتناب مالیاتی دو نظریه وجود دارد:

1- نظریه هزینه نمایندگی ناشی از اجتناب مالیاتی

2- نظریه ارزش آفرینی اجتناب مالیاتی

اگر نظریه هزینه نمایندگی وجه غالب پیدا کند. نتیجه می‌شود که اجتناب مالیاتی یک حفاظ و پوششی برای رفتار فرصت طلبانه مدیریت ایجاد می‌کند. تحقیقات انجام شده در این زمینه بیان می‌کنند که در شرکت‌های غیرشفاف سوء استفاده مدیریت تسهیل می‌شود که بدین جهت از وجه غالب نظریه هزینه نمایندگی اجتناب مالیاتی فرضیه اول مطرح می‌شود:

فرضیه اول: اجتناب مالیاتی با افشاء شرکتی رابطه معنا داری دارد

1-1- رابطه ی اجتناب مالیاتی با ابهام قوی تراز رابطه ی اجتناب مالیاتی با افشاء است.

از طرف دیگر مالیات بر درآمد هزینه ی با اهمیتی بر واحدهای تجاری تحمیل می‌کند و نقدینگی شرکت را کاهش می‌دهد و مدیران علاقمند هستند که سود بعد از مالیات شرکت را افزایش دهند. پیچیدگی قوانین مالیاتی و غیر علنی بودن اطلاعات در خصوص وضعیت مالیاتی شرکت‌ها، قضاوت سرمایه گذاران برون سازمانی در خصوص استراتژی اصلی اجتناب مالیاتی شرکت را مشکل می‌سازد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد افشاء شرکتی به سرمایه گذاران برون سازمانی کمک می‌کند تا رفتار فرصت طلبانه مدیریت را بهتر شناسایی و رسد کنند [19]. از جنبه رفتار مدیریت مالیاتی شرکت، مدیران شرکت‌های با کیفیت افشای بالا علاقه ی بیشتری به اجتناب مالیاتی جهت افزایش سود پس از مالیات شرکت دارند و علاقه ی آن‌ها جهت سوء استفاده از پوشش مالیاتی برای دنبال کردن منافع شخصی کمتر می‌باشد.

1-2- رابطه ی اجتناب مالیاتی با افشاء قوی تراز رابطه ی اجتناب مالیاتی با ابهام است.

فرضیه دوم: ارزش سهام شرکت ناشی از اجتناب مالیاتی با سطح افشاء رابطه ی معنا داری

دارد.

افشاء شرکتی به طور بالقوه نقش مهمی در تعدیل رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت ایفا می‌کند (رسایی، 2009). تحقیقات نشان می‌دهند که افشاء شرکتی نظارت سرمایه گذاران

برون سازمانی را بهتر و رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت را محدود می‌کند. اگر اجتناب مالیاتی یک حفاظتی جهت سوء استفاده مدیریت ایجاد کند، شفافیت شرکتی هزینه‌های ناشی از آن را آشکار خواهد ساخت که در صورت نبود شفافیت لازم و کافی در خصوص عملکرد شرکت، اغلب هزینه‌های غیر مستقیم اجتناب مالیاتی بیشتر از منافع آن می‌شود. نظریه هزینه نمایندگی ناشی از اجتناب مالیاتی بیان می‌دارد که رابطه منفی اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت زمانی که ابهام و عدم شفافیت افزایش می‌یابد، بیشتر می‌گردد. نظریه ارزش آفرینی اجتناب مالیاتی بیان می‌دارد که رابطه مثبت و مستقیمی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت وجود دارد، زمانی که افشاء شرکتی افزایش یابد. بنابراین فرضیه دوم به شرح ذیل است:

2-1- کاهش ارزش سهام شرکت ناشی از اجتناب مالیاتی با سطح افشاء رابطه منفی معنا داری دارد.

2-2- افزایش ارزش سهام شرکت ناشی از اجتناب مالیاتی با سطح افشاء رابطه مثبت معناداری دارد.

10- روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های پس رویدادی است. در این نوع پژوهش‌ها، هدف بررسی روابط موجود بین متغیرهاست. داده‌ها از محیطی که به گونه‌ای طبیعی وجود داشته‌اند و یا از وقایع گذشته که بدون دخالت مستقیم پژوهشگر رخ داده است، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در طی دوره تحقیق می‌باشد که علاوه بر داشتن اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این تحقیق در طی سال‌های 1382 الی 1389، شرایط زیر را نیز باید داشته باشند.

1) به منظور هماهنگی در پایان سال مالیاتی شرکت‌ها، شرکت‌ها بی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشند.

2) شرکت‌هایی که در دوره تحقیق تغییر سال مالی نداده باشند.

3) شرکت‌ها بی که امتیاز کیفیت افشاء سالیانه و اطلاعات مالی آنها در دسترس باشد.

4) شرکت‌ها بی که سهام آنها در سال‌های دوره تحقیق بیش از پنج ماه وقفه معاملاتی نداشته باشند.

5) شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مالی، بانک‌ها و بیمه‌ها نباشند.

6) شرکت‌هایی که از ابتدای سال مالی 1382 تا پایان سال مالی 1389 در بورس اوراق بهادار تهران حضور داشته باشند.

7) شرکت‌هایی که از ابتدای سال 1382 تا پایان سال مالی 1389 درآمد مشمول مالیات آن‌ها به قطعیت رسیده باشد.

8) شرکت‌هایی که دارای حقوق صاحبان سهام عادی منفی نباشند.

شرکت‌های واجد شرایط فوق به تعداد 85 شرکت می‌باشند. با توجه به اینکه دوره تحقیق هشت ساله است، تعداد مشاهدات نمونه 700 سال شرکت می‌باشد که با حذف سال شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها ناقص بوده است، در نهایت 600 سال شرکت به عنوان نمونه برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شد. نرمال بودن داده‌های مورد استفاده در پژوهش نیز از طریق آزمون‌های مربوط به اثبات رسیده است.

11- مدل‌های تحقیق

جهت انجام آزمون فرضیه‌های تحقیق به کمک نرم افزار SPSS، برای هر فرضیه مدل و آزمون مناسب به شرح ذیل انتخاب و استفاده گردیده است:

مدل آزمون فرضیه اول:

$$PBTD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TRANS_{i,t} + \beta_2 ROE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 MB_{i,t} + \beta_5 ASSET_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

در مدل فوق β_1 میزان تأثیر کیفیت افشاء یا ابهام بر اجتناب مالیاتی را نشان می‌دهد. در مدل فوق اجتناب مالیاتی متغیر وابسته و TRANS (افشاء شرکتی) متغیر مستقل است. برای آزمون فرضیه اول کل نمونه بر اساس مقدار متغیر افشاء شرکتی به سه گروه تقسیم بندی می‌شود که هر چه قدر میزان TRANS بالا باشد نشانه‌ی بالابودن کیفیت افشاء است. سپس برای گروه‌های اول و سوم که بیشترین و کمترین مقدار کیفیت افشاء را دارند، رگرسیون جداگانه محاسبه شده است و میزان تأثیرگذاری متغیر مستقل در متغیر وابسته بر اساس β_1 محاسبه شده و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

12- مدل آزمون فرضیه دوم

$$Q_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Tax_{i,t} + \beta_2 TRANS_{i,t} + \beta_3 (TaxAgg_{i,t} \times TRANS_{i,t}) + \beta_4 RISK_{i,t} + \beta_5 ROE_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 ASSETS_{i,t} + \beta_8 MB_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

به منظور آزمون فرضیه دوم از روش رگرسیون خطی چند گانه جهت بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل شامل اجتناب مالیاتی و شفافیت شرکتی با متغیر وابسته یعنی ارزش شرکت

متناسب با سطح کیفیت افشاء شرکتی استفاده شده است. نحوه عمل بدین شکل خواهد بود که ابتدا کل سال شرکت‌های نمونه به سه گروه بر حسب کیفیت افشاء، تقسیم می‌شوند سپس گروه اول که شامل سال شرکت‌های با کیفیت افشای بالا و گروه سوم که شامل سال شرکت‌های با کیفیت افشاء پایین می‌باشد، انتخاب می‌شوند. رگرسیون خطی چند متغیره برای گروه اول گروه سوم، محاسبه می‌شود.

13- متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش شامل سه گروه متغیرهای وابسته، متغیرهای مستقل و متغیرهای کنترلی است.

متغیر وابسته فرضیه اول

اجتناب مالیاتی که بر اساس معیار اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها و درآمد مشمول مالیات تعیین شده از طرف کارگزاران مالیاتی (درآمد مشمول مالیات قطعی) تقسیم بر دارائی‌های کل شرکت در ابتدای دوره محاسبه می‌شود.

$$PBTD = \left| \frac{\text{درآمد مشمول مالیات قطعی} - \text{درآمد مشمول مالیات ابرازی}}{\text{جمع دارائی‌های ابتدای دوره}} \right|$$

میلز (1998)، ویلسون (2009) و فرانک ات آل (2009) در پژوهش‌های خود نشان دادند که اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی و درآمد مشمول مالیات قطعی با پوشش و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری دارند.

متغیر مستقل فرضیه اول

در این پژوهش برای فرضیه اول (TRANS) که به عنوان شاخصی از کیفیت افشاء می‌باشد، بعنوان متغیر مستقل منظور شده است. این متغیر از شاخص کیفیت افشاء شرکت‌های عضو سازمان بورس اوراق بهادار که توسط آن سازمان از سال 1382 و به بعد محاسبه شده است، استفاده شده و دامنه تغییرات آن معمولاً "صفر تا 100 میباشد و گاهی هم بدلیل عدم ارائه به موقع گزارشات مالی و تصویب زمان تقسیم سود امتیاز منفی به شرکت‌ها تعلق می‌گیرد. از جمله دلایل استفاده از آن شاخص به این شرح است: 1) امتیاز کیفیت افشاء که توسط سازمان بورس اوراق بهادار محاسبه شده است براساس شاخص‌های دقیق و عینی از قبیل زمان ارائه اطلاعات مربوط و تفاوت پیش بینی‌ها با نتایج واقعی، محاسبه شده است. بنابراین معیار مورد

استفاده، از عینیت و قابلیت اتکای کافی برخوردار است. (2) در معیار کیفیت افشاء محاسبه شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار نه تنها به کمیت افشاء توجه شده است، بلکه به موقع بودن و قابلیت اتکای اطلاعات افشا شده نیز مد نظر قرار گرفته است. در طی پژوهش‌های جنیفر و همکاران (2011) و چن ات آل (2002) کیفیت افشاء شرکتی به عنوان متغیر مستقل بکار برده شده است.

متغیر وابسته فرضیه دوم

ارزش بازار حقوق صاحبان سهام متغیر وابسته فرضیه دوم می‌باشد که از طریق مجموع ارزش بازار کل سهام انتشار یافته شرکت و جمع کل دارائی‌های پایان دوره که از آن مقدار، مجموع ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام کسر می‌شود و حاصل بر جمع کل دارائی‌های انتهای دوره تقسیم می‌گردد.

$$Q = \frac{\text{ارزش سهام دفتری حقوق صاحبان} - \text{جمع دارائی پایان‌های دوره} + \text{ارزش بازار سهام انتشار یافته شرکت}}{\text{جمع دارائی درها پایان دوره}}$$

متغیر توبین کیو به عنوان شاخصی از ارزش بازار شرکت نشان دهنده قیمت پیشنهادی سرمایه گذاران به سهام شرکت میباشد، در پژوهش‌های ایچی و لانگ ات آل (2004)، دسائی و دهارماپالا (2009) و اندرسون ات آل (2009) به عنوان شاخصی از ارزیابی سرمایه گذاران از ارزش شرکت، استفاده شده است.

متغیرهای مستقل فرضیه دوم

در این پژوهش TAX، TRANS و TaxAgg*TRANS به عنوان متغیر مستقل می‌باشند. متغیر TRANS همان امتیاز کیفیت افشاء است، که توضیحات آن قبلاً بیان گردید. متغیر TAX یک متغیر مجازی است که اگر از اجتناب مالیاتی شرکتی (PBTD) بیشتر یا برابر میانگین متغیر اجتناب مالیاتی کل جامعه آماری باشد عدد 1، در غیر اینصورت عدد صفر به آن متغیر اختصاص می‌یابد. متغیر (TaxAgg*TRAN) نشانه تقابل اجتناب مالیاتی و افشاء شرکتی می‌باشد که از حاصل ضرب (PBTD) و (TRANS) محاسبه می‌شود.

متغیرهای کنترلی

گاهی در بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش، عوامل دیگری نیز مؤثر هستند که عدم کنترل آن‌ها می‌تواند باعث نتیجه‌گیری نادرست از پژوهش شود. در این پژوهش نیز علاوه بر متغیر مستقل برخی عوامل جانبی بر متغیرهای وابسته (اجتناب مالیاتی و ارزش بازار واحدهای تجاری) تأثیرگذار هستند. لذا متغیرهای کنترلی این پژوهش به این شرح می‌باشند. ROE: سود عملیاتی تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان ابتدای دوره، LEV: مجموع بدهیها تقسیم بر مجموع دارائیه‌ها، MB: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ابتدای دوره، RISK: انحراف بازده ماهانه سهام بر میانگین انحراف بازده سهام در طول 36 ماه، ASSET: لگاریتم مجموع دارائیه‌های ابتدای دوره پژوهش گوپتا و نیوبری (1997) و چن ات آل (2010) تأثیر بازده حقوق صاحبان و نسبت بدهی، ای جی زیمرمن (1983) و چن ات آل (2010) تأثیر اندازه شرکت، رایبسن ات آل (2010) تأثیر نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام و ایکسیا جانگ (2010) تأثیر ریسک غیر سیستماتیک در بررسی رابطه متغیر وابسته و متغیر مستقل کنترل شده است. برای آزمون معناداری رابطه‌ی بین متغیرهای تحقیق از آزمون P-Value (Sig) که از طریق نرم افزار SPSS محاسبه شده، استفاده شده است. مقدار سطح معناداری در هر دو فرضیه اصلی اول و دوم را با عدد 05/ مقایسه کرده و اگر از 05/ کوچکتر باشد فرضیه پذیرفته شده و در غیر آن صورت رد می‌شود. وقتی دو متغیر طوری تغییر نمایند که تغییرات یکی با تغییرات دیگری هماهنگ باشد آن وقت می‌گوییم این دو متغیر با هم رابطه دارند. در این تحقیق ضرایب متغیرهای مدل رگرسیون خطی چند متغیره با استفاده از آزمون t استیودنت، آزمون شده است. برای آزمون معناداری کلی مدل‌های رگرسیون بر ارزش شده، از آماره فیشر (F) در سطح 95 در صد اطمینان، همچنین برای آزمون عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل از آزمون دوربین - واتسون استفاده می‌شود؛ یافته‌های پژوهش

14- آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای مستقل کمی [افشاء شرکتی (TRANS) و اجتناب مالیاتی (PBTD)] و متغیرهای وابسته [اجتناب مالیاتی (PBTD) در فرضیه اول و ارزش شرکت (Q) در فرضیه دوم] برای سال‌های 1382 لغایت 1389 در جدول شماره 1 ارائه شده است.

جدول شماره 1: آمار توصیفی داده‌ها

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم
Q	1.26	1.12	0.49	6.73	0.28
PBTD	0.05	0.02	.06	.41	.00
TRANS	47.32	45	22.07	97	4
TaXAgg TRANS	2.90	1.36	4.38	32.90	.00
RISK	.36	.29	.26	1.26	.06
ROE	.48	.43	.34	2.24	23.
LEV	.65	.64	.15	.92	.39
ASSET	13.57	13.11	1.62	18.32	10.85
MB	1.71	1.24	1.32	9.44	.071

همان‌طور که جدول (1) نشان می‌دهد میانگین و انحراف معیار متغیر کیفیت افشاء شرکتی (TRANS) به ترتیب 47.32 و 22.078 است که بیانگر این نکته است که در شرکت‌های ایرانی، میزان شفافیت در گزارشگری مالی کمتر از حد میانه یعنی 45 است. همان‌طور که در جدول (1) ملاحظه می‌شود حداکثر و میانگین اجتناب مالیاتی به ترتیب 0/4113 و 0/0539 میباشد، که این اختلاف موجود بین حداکثر و میانگین، نشان دهنده این مطلب است که در اکثر شرکت‌ها اختلاف درآمد مشمول مالیات ابرازی و قطعی پایین می‌باشد، که نشانگر پائین بودن اجتناب مالیاتی می‌باشد. در پژوهشی که سیدمن (2009) در خصوص رابطه اختلاف درآمد مشمول مالیات ابرازی و درآمد مشمول قطعی با مدیریت سود انجام داد؛ نتایج حاصله نشان می‌دهد که اختلاف درآمد مشمول مالیات ابرازی و قطعی پائین منجر به مدیریت سود بالا می‌شود.

آزمون فرضیه اول: نتایج آزمون فرضیه اول و دوم فرعی فرضیه اول اصلی بر اساس اجرای مدل (1) در نگاره ذیل آورده شده است:

جدول 2: نتایج حاصل از برازش رگرسیون مدل (1) برای آزمون فرضیه اول

مدل 2			مدل 1			متغیر
Sig	T	β	Sig	T	β	
.002	3.197		.634	.476		(Constant)
.959	.051	.003	.013	2.509	.152	TRANS
	1.934			1.818		Durbin-Watson
	30.9%			39.9%		R^2
	27.2%			36.6%		Adjusted R^2
	00.0			0.00		Sig.
	8.316			12.195		F

با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول (2)، مشاهده می‌شود، که β_1 ضریب رابطه‌ی بین متغیر وابسته اجتناب مالیاتی با متغیر مستقل افشاء شرکتی می‌باشد که در دو مدل 1 و 2 به ترتیب 159/ و 005/ هستند که احتمال متناظر آن‌ها نیز به ترتیب 013/ و 959/ می‌باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود اندازه درجه اهمیت متعلق به متغیر TRANS در مدل (1) از سطح معنی داری قابل قبول (05/0) کمتر است و این موضوع نشانگر معنادار بودن رابطه اجتناب مالیاتی با افشاء شرکتی است. اما در مدل (2) سطح معناداری متغیر کیفیت افشاء از سطح قابل قبول معناداری (05/0) بیشتر است که این مطلب نشانگر معنادار نبودن رابطه شفافیت کم با اجتناب مالیاتی می‌باشد. همان گونه که در جدول شماره (2) نشان داده شده است مدل آزمون فرضیه اول دوبار برارزش و رگرسیون آن نیز دو بار محاسبه گردیده است که مدل (1) مربوط به شرکت‌های دارای افشاء شرکتی بالا و مدل (2) متعلق به شرکت‌های دارای افشاء شرکتی پایین می‌باشد؛ ضریب تعیین تعدیل شده برای مدل (1) که متعلق به شرکت‌های با کیفیت افشاء بالا می‌باشد از ضریب تعیین تعدیل شده در مدل (2) که متعلق به شرکت‌های با کیفیت افشاء پایین می‌باشد، مقدار بزرگتری دارد که نشانگر این مطلب می‌باشد که در مدل (1) نسبت به مدل (2) مقدار بالاتری از متغیر وابسته توسط متغیر مستقل، توضیح داده می‌شود که بیانگر رابطه قوی تر اجتناب مالیاتی با افشاء نسبت به ابهام می‌باشد. بنابراین: فرضیه فرعی اول در فرضیه اول تأیید می‌شود و فرضیه فرعی دوم در فرضیه اول رد می‌شود.

چون افشاء شرکتی از طریق نظم دهی به رفتار افراد درون سازمانی و مدیریت اثر بخش دارائی‌ها به بهبود عملکرد شرکت‌ها کمک می‌کنند و سهامداران عملکرد مدیریت را ردیابی می‌کنند و اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی در شرکت‌های با شفافیت بالا، بهتر به اطلاع سهامداران می‌رسد لذا مدیریت ترس طرد برنامه‌های اجتناب مالیاتی توسط سهامداران را ندارد، چون ابهامی که با اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی ایجاد می‌شود با وجود شفافیت بالا در واحدهای تجاری نگرانی

سهامداران و سوء استفاده مدیریت رابه دنبال نخواهد داشت و یا در حداقل خواهد بود. بدین جهت اجتناب مالیاتی در شرکت‌هایی که افشای کافی دارند بیشتر است [4]. همچنین شرکت‌های با کیفیت افشاء بالا جهت افزایش کارایی و بهبود عملکرد واحد تجاری در شناسایی سود حسابداری کاملاً محافظه کارانه عمل می‌کنند و زیان‌ها را به موقع تر از سودها شناسایی می‌کنند و همچنین علاقه کمتری به بزرگ نمایی سود خود دارند لذا سود حسابداری و به تبع آن سود مشمول مالیات خود را به حداقل ممکن می‌رسانند که این موضوع خود منجر به افزایش تفاوت سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی (اجتناب مالیاتی) می‌گردد، بنابراین با افزایش کیفیت افشاء شرکتی محافظه کاری بالا رفته و اجتناب مالیاتی بیشتر می‌گردد:

آزمون فرضیه دوم

جدول 3: نتایج حاصل از برازش رگرسیون مدل (2)

مدل 2			مدل 1			متغیر
Sig	T	β	Sig	T	β	
.043	2.044	-	.009	2.655	-	(Constant)
.927	.092	-.165	.340	.956	.323	taxAgg
.037	2.223	.864	.032	2.169	1.057	TRANS
.175	1.373	.568	.348	-.941	-.328	taxAgg*TRANS
2.273			1.931			Durbin-Watson
.295			.463			R^2
.240			.424			Adjusted R^2
.000			.000			Sig.
5.383			11.684			F

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم در جدول (3) منعکس شده، در این فرضیه ارزش شرکت (Q) متغیر وابسته و پوشش مالیاتی (TaxAgg) و افشاء شرکتی (TRANS) و اثر متقابل افشاء و اجتناب مالیاتی (TaxAgg*TRANS) متغیرهای مستقل هستند. متغیر (TaxAgg) از نوع مجازی است که به صورت صفر و یک بیان می‌شود. برای انجام برازش مدل ابتداء همانند فرضیه اول کل سال شرکت‌های جامعه آماری را به ترتیب بر اساس سطح افشاء شرکتی به سه قسمت تقسیم می‌کنیم، سپس گروه اول به عنوان گروه دارای سطح افشاء بالا و گروه سوم به عنوان سطح گروه افشاء پائین جهت برازش مدلها انتخاب می‌شود. همان طور که در جدول (3) نشان داده شده است دو مدل 1 و 2 وجود دارد که از برازش مدل رگرسیون Tobin(Q) محاسبه شده‌اند. مدل (1) مربوط به شرکت‌هایی است که در سطح بالایی از افشاء قرار دارند (گروه اول) و مدل (2) مربوط شرکت‌هایی

است که از منظر کیفیت افشاء در سطح پائینی قرار دارند (گروه سوم). در مدل (1) و (2) به ترتیب آماره t محاسبه شده برای متغیر TaxAgg، 0/956 و 0/092 است و احتمال متناظر با این آماره 0/340 و 0/927 می‌باشد و از سطح قابل قبول معناداری یعنی 0/05 بزرگ ترند پس در سطح اطمینان 95٪ بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. شاید بتوان دلیل این امر را این گونه بیان کرد که هزینه مالیاتی از نظر سرمایه‌گذاران چندان با اهمیت محسوب نمی‌شود و اجرا یا عدم اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی تأثیری در قیمت تقاضای سرمایه‌گذاران برای خرید سهام شرکت ندارد. اما آماره t محاسبه شده برای متغیر افشاء (TRANS) 2/169 که احتمال متناظر با آن 0/32 است. از آنجا که احتمال متناظر با این آماره کوچک تر از سطح قابل قبول معنادار یعنی 5٪ است. از این رو می‌توان گفت که در سطح اطمینان 95٪ بین کیفیت افشاء شرکتی و ارزش شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین در مدل (2) نیز آماره t محاسبه شده برای متغیر کیفیت افشاء 2/223 می‌باشد که احتمال متناظر با آن 0/037 بوده که از سطح قابل قبول معناداری کوچک تر بوده، بنابراین معنادار بودن رابطه کیفیت افشاء با ارزش در این مدل تأیید می‌شود. در مقایسه بین ضریب تعیین تعدیل محاسبه شده که به مقادیر 86/2٪ و 66/9٪ به ترتیب در دو مدل 1 و 2، نشان دهنده‌ی این موضوع می‌باشد که رابطه ارزش شرکت با افشاء قوی تر از ابهام می‌باشد. دلیل این یافته را می‌توان این گونه بیان کرد که سرمایه‌گذاران و افراد برون سازمانی هر چقدر اطلاعات اثرگذار بیشتری در دسترس داشته باشند، دارای ریسک اطلاعاتی کمتری برای سرمایه‌گذاری هستند، بنابراین قیمت تقاضای آنها افزایش و همچنین بازده مورد انتظار بالایی را مطالبه نمی‌کنند (مند لسون، 1986). اما در خصوص متغیری که نماد تقابل کیفیت افشاء دوره با اجتناب مالیاتی (TaxAgg TRANS*) می‌باشد که به عنوان متغیر مستقل فرضیه دوم محسوب می‌شود، آماره t محاسبه شده برای این متغیر در دو مدل به ترتیب (-0/941) و 1/373 است. احتمال مرتبط با این آماره‌ها نیز به ترتیب (0/348) و 0/175 می‌باشد که در محدوده قابل قبول معناداری قرار ندارد. از این رو می‌توان گفت که در سطح اطمینان 95٪ بین متغیر مستقل TaxAgg *TRANS و ارزش شرکت، رابطه معناداری وجود ندارد.

بنابراین فرضیه دوم رد می‌شود. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه برخی پژوهش‌های خارجی همچون پژوهش دسائی و دهارماپالا (2009) و آرمسترانگ ات آل (2010) سازگاری ندارد. آن‌ها در بررسی‌های خود دریافته‌اند که اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت رابطه معناداری

دارد، یعنی سهامداران برای برنامه‌های اجتناب مالیاتی که به منظور افزایش ثروت واحد تجاری به اجرا در می‌آید، ارزش قائل هستند.

15- تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

مالیات بر درآمد هزینه با اهمیتی به واحدهای تجاری و مالکان تحمیل می‌کند. اخذ مالیات بخشی از منابع واحد تجاری را به دولت انتقال می‌دهد. مدیریت شرکت جهت جلوگیری از انتقال منابع، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را به اجرا در می‌آورد. اما اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی ابهام و عدم شفافیت را به همراه دارد که امکان سوء استفاده از منابع و حیف و میل آن در شرایط غیر شفاف برای مدیران فرصت طلب به وجود می‌آید که منجر به افزایش هزینه نمایندگی می‌شود و گاهی هزینه‌های ناشی از اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی بیشتر از منافع آن می‌شود. بنابراین در شرکت‌هایی که برنامه‌های اجتناب مالیاتی اجرا می‌شود، وجود شفافیت قابل قبول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین اجتناب مالیاتی و ارزش بازار حقوق صاحبان سهام وجود ندارد، که این نتیجه بیانگر این است که سرمایه‌گذاران برای برنامه‌های اجتناب مالیاتی اهمیت قابل توجه‌ای قائل نیستند. نتیجه آزمون این فرضیه منطبق با یافته برخی محققین همچون جی ننگ ات آل (2009) است. او نیز در پژوهش خود بین افشاء شرکتی و اجتناب مالیاتی، به رابطه مثبت معناداری دست یافته است. نتیجه بدست آمده از این پژوهش با نتیجه ایکسیاهانگ (2010) که نشان می‌دهد بین اجتناب مالیاتی و ارزش بازار حقوق صاحبان سهام رابطه معناداری وجود دارد، متناقض است.

16- محدودیت‌های پژوهش

1) کیفیت افشاء هر ساله چهار بار برای دوره‌های سه ماهه منتهی به 31/3/30، 31/3/6 و همچنین دوره منتهی به 29/12 توسط سازمان بورس اعلام شده است. در این تحقیق فقط از کیفیت افشاء پایان سال استفاده شده است که می‌تواند در کسب شواهد دقیق‌تر محدودیت ایجاد کند.

2) اندازه‌گیری آثار برخی عوامل نظیر: عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که بر میزان اجتناب مالیاتی تأثیر گذار است؛ امکان پذیر نبود.

3) شرکت‌هایی که برای نمونه آماری انتخاب می‌شوند، درآمد مشمول آن‌ها باید قطعی شده باشد، که اکثر شرکت‌ها داری مشکل عدم قطعیت درآمد مشمول بودند که این امر موجب کاهش حجم نمونه آماری شده است.

17- پیشنهادهای اجرایی تحقیق

- 1) پیشنهاد می‌گردد مکانیزم حاکمیت شرکتی واحدهای تجاری تقویت شود. با توجه به اینکه در اکثر تحقیقات انجام شده نتایج بیانگر اینست که در شرکت‌هایی که دارای سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی هستند، ارزش بازار شرکت با اجتناب مالیاتی رابطه‌ی معناداری دارد، اما نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی بر ارزش بازار شرکت‌ها بی تأثیر است لذا می‌توان نتیجه گرفت که حاکمیت شرکتی در شرکت‌های ایرانی قوی و کارآمد نیست.
- 2) توصیه می‌شود سازمان امور مالیاتی کشور در بررسی اظهارنامه‌های مالیاتی و درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها، کیفیت افشاء شرکتی آنها که توسط سازمان بورس اوراق بهادار افشاء شده، به عنوان شاخصی از اجتناب مالیاتی مورد توجه قرار گیرد.
- 3) پیشنهاد می‌گردد، یک سیستم نرم افزاری در سازمان امور مالیاتی که امکان دسترسی سریعتر و دقیق تر به سوابق موجود که جنبه محرمانه بودن اطلاعات مؤدیان مالیاتی نیز در آن رعایت شده باشد، جهت استفاده در تحقیقات فراهم شود.

18- پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

- 1) رابطه اجتناب مالیاتی با هزینه سرمایه بررسی شود.
- 2) تأثیر ساختار سرمایه بر اجتناب مالیاتی شرکتها بررسی شود.
- 3) تأثیر ساختار مالکیت شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی بررسی شود.
- 4) تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی بررسی شود.

19- فهرست منابع

1. پورزمانی، زهرا، بررسی دلایل اختلاف بین درآمد مشمول مالیاتی ابرازی شرکت‌های بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی (مطالعه موردی اداره کل امور مالیاتی غرب تهران)، تابستان 1388، فصلنامه تخصصی مالیات، دوره جدید، شماره پنجم (مسلسل 53)، www.sid.ir

2. دوانی، غلامحسین. *حسابداری مالیاتی*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات کیومرث، 1384

3. موسوی جهرمی، یگانه، طهماسبی، فرهاد، فرار مالیاتی در نظام مالیات برارزش افزوده: یک مدل نظری، تابستان 1388، فصلنامه تخصصی مالیات، دوره جدید، شماره

پنجم (مسلسل 53)، www.sid.ir

4. Atwood, T. M. Drake, L. Myers, and Bushman, R. M., and A. J. Smith Book-tax conformity, earnings persistence, Journal of Accounting and Economics 32, 2010. 237-333.
5. Desai, M. A., A. Dyck, and L. Zingales, Theft and taxes, Journal of Financial Economics 84, 2007. 591-623
6. Desai, M. A., and D. Dharmapala, Corporate tax avoidance and firm value. The Review of Economics and Statistics 91, 2009. 537-546.
7. Fama, E. F. and Jensen, M. C., "Separation of Ownership and control". Journal of Law and Economics 26, 1983. 301-325.
8. Gleason, C., and L. F. Mills, Materiality and Contingent Tax Liability Reporting. The Accounting Review 77, 2002. 317-342.
9. Gupta, S., and K. Newberry, Determinants of the variability in corporate effective tax rates: evidence from longitudinal data. Journal of Accounting and Public Policy 16, 1997. 1-34.
10. Hanlon, M. and T. Shevlin. (2005). Book-tax conformity for corporate income: An introduction to the issues tax policy and the economy No. 19, 2005, edited by James M. Poterba. National Bureau of Economic Research, Cambridge, MA. Invited paper. Working paper, [Online]. www.ssrn.com.
11. Hanlon, M., and S. Heitzman, A review of tax research, 2009, Working Paper. [Online]. www.ssrn.com.
12. Hassan, M. S.; Saleh, N. M. and Abd Rahman, M. R. C, Determinants of Financial Instruments Disclosure Quality among Listed Firms in Malaysia, 2008, Working paper, [Online]. www.ssrn.com.
13. Hendriksen, E.S. and Van Breda, M.F, Accounting Theory, 1992. 5th edition, united states of America: IRWIN, Inc.
14. Jeong-Bon Kim Department of Accountancy City University of Hong Kong, Yinghua, Li* Krannert School of Management Purdue University, Liandong Zhang Department of Accountancy City University of Hong Kong, Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm-Level Analysis, 2010, Working paper, [Online]. www.ssrn.com.
15. Khurana, K. and Moser W, Institutional ownership and tax aggressiveness, 2009, Working Paper. University of Missouri at Columbia. [Online]. www.ssrn.com.
16. Mills, L. F, Book-tax differences and internal revenue service adjustments, Journal of Accounting Research 36, 1998. 343-356
17. McNichols M. and S. Stubben, Does earnings management affect firms' investment decisions? The Accounting Review 83, 2008. 1571-1603.
18. Rego, S. O. and R. Wilson, Executive compensation, tax reporting aggressiveness, and future firm performance, 2008, Working Paper. University of Iowa. [Online]. www.ssrn.com.

19. Xiaohang . W, Tax Avoidance, Corporate Transparency, and Firm Value. 2010, Working Paper. [Online]. www.ssrn.com

Archive of SID